

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱۳۹۵/۰۸/۰۹

اثبات کفر «معاویه»، با روایات صحیح السند!

برنامه حبل المتین

مجری:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى فَاطِمَةَ وَ آيِبِهَا وَ بَعْلِهَا وَ بَنِيهَا وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ»

صلوات حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

سلام و درود خدمت شما بینندگان عزیز و ارجمند «شبكة جهانی ولایت» و همراهان خوب و دوست داشتنی برنامه زنده «حبل المتین».

ان شاءالله که خوب و خوش و سرحال و سلامت باشید، دلتان شاد باشد و زندگی بر وفق مراد شما باشد. هر جای ایران اسلامی یا هرکجای این عالم هستید و شبکه ما و برنامه زنده ما را انتخاب کردید و همراهی می فرمایید؛ بهترین ها را برای شما آرزومندم.

ان شاءالله که زیر سایه مرتضی علی و ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دلتان همیشه پر از نور و امید باشد و ان شاءالله همیشه در مسیر اهل بیت عصمت و طهارت باشید.

از خداوند متعال می‌خواهیم عشق و ارادت و محبت آقا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را در دل‌های ما و فرزندان ما و نسل بعد از نسل ما همیشه قرار بدهد و ذره‌ای کم نکند و کمتر از آنی ما را از اهل بیت، آقا و مولایمان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) جدا نکند.

خیلی خوشحالیم که باز هم به خانه‌های شما آمدیم تا این برنامه را تقدیم حضور شما بکنیم؛ البته حال و هوای دل‌های شما هنوز حال و هوای کربلایی است و هنوز دل‌ها برای عزای سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) می‌تپد.

این ایام، ایام اسارت آل الله است و مجالس عزاداری امام حسین همچنان برپاست. خیلی‌ها خودشان را آماده می‌کنند و صحبت از ویزا و اربعین و سفر پای پیاده از نجف تا کربلاست. ان شاءالله به همین زودی کربلا و اربعین و زیارت باصفای سیدالشهدا نصیبتان شود.

شماره‌هایی که زیرنویس شده است، راه‌های ارتباطی ماست. «۳۰۰۰۱۲۰۳» سامانه پیام کوتاه ماست و متعلق به عزیزانی است که در ایران اسلامی هستند و از این طریق به راحتی می‌توانند برای ما پیام بفرستند.

شماره‌ای که در بالا نوشته شده است و با «۰۰۹۸» آغاز می‌شود، شماره‌ای است که شما می‌توانید در گوشی تلفن همراه خودتان داشته باشید و از طریق نرم افزارهای واتس‌آپ و تلگرام و وایبر در فضای مجازی به ما پیام بدهید.

مطمئن باشید که پیام‌های شما به دست من می‌رسد و اگر بتوانم در طول برنامه زنده پیام‌های شما را قرائت می‌کنم و اگر هم فرصت نشود شک نکنید که دوستان من در «شبکه جهانی ولایت» و برنامه زنده «حبل المتین» حتماً پیام‌های شما را خواهند خواند.

اگر از عشق و ارادت و محبتتان به ساحت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌خواهید برای ما بگویید و از ارادتتان به سیدالشهدا (علیه السلام) برای ما بگویید، همین الان گوشی را بردارید و پیامک بدهید و حضری خودتان را در برنامه زنده «حبل المتین» اعلام کنید.

امشب هم توفیق داریم در محضر استاد بزرگوار حضرت آیت الله دکتر حسینی قزوینی باشیم و ان شاءالله طبق معمول هفته‌های گذشته، گفتگویی شنیدنی با هم خواهیم داشت. حضرت استاد سلام علیکم و رحمة الله:

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

سلام علیکم و رحمة الله و برکاته؛ بنده هم خدمت همه عزیزان و بینندگان و گرامیانی که در هرکجای این کره خاکی بیننده این برنامه هستند و ما را مهمان کانون گرم و باصفای خانواده خودشان قرار داده‌اند، خالصانه‌ترین سلام را همراه با آرزوی موفقیت روزافزون تقدیم می‌کنم.

خدا را قسم می‌دهم به آبروی محمد و آل محمد به ویژه به آبروی اهل بیت سیدالشهدا (علیه السلام) که از دست بنی امیه و بنی مروان سخت‌ترین روزهای زندگیشان را می‌گذرانند، فرج مولای ما را به نور پاک این بزرگواران نزدیک کند.

ان شاءالله خداوند متعال همه ما و شما گرامیان را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بدهد، رفع گرفتاری از همه گرفتاران بنماید، حوائج همه و مخصوصاً ما و شما گرامیان را برآورده کند؛ ان شاءالله.

مجری:

استاد خیلی متشکرم. ما مدتی است که بحثی را در مورد شخصیت «معاویه» آغاز کردیم. دوستان خوب بیننده بارها از ما خواسته بودند تا ما نگاهی جدی به شخصیت معاویه و نقش او در شهادت امام حسین (علیه السلام) داشته باشیم.

درواقع سهم یزید (لعنت الله علیه) کاملاً روشن است، اما ما ثابت کردیم که معاویه هم در شهادت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام) نقش داشته است. ما با توجه به مطالبی که حضرت استاد بیان فرمودند، ثابت کردیم که روایت صحیحی در مورد فضیلت معاویه نداریم.

مطالبی که بیان می‌کنیم تماماً از منابع اهل سنت است و اینکه در مورد مذمت معاویه از صحابه و علمای متقدمین مطالبی را با سند صحیح نقل کردیم.

یکی از چیزهایی که در منابع اهل سنت به صراحت آمده است، در مورد لعن معاویه بود که در برنامه‌های گذشته به صراحت از زبان رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بیان کردیم.

اگر ما بخواهیم جدی نگاه کنیم، اصلاً نباید معاویه را جزو صحابه حساب کنیم و به جد باید بگوییم که می‌شود کفر معاویه را ثابت کرد و در برنامه‌های گذشته آن را ثابت کردیم. به بیان بهتر این شخص اصلاً از دایره اسلام خارج شده است!

من خلاصه‌وار مطالب برنامه‌های گذشته را عرض کردم تا ذهن شما آماده شود؛ فقط این را عرض کنم که ان شاءالله در بخشی از برنامه که دوستان خوب بیننده ما، روی خط ارتباطی ما می‌آیند، عزیزان اهل سنت ما سؤال کوچک ما را پاسخ بدهند.

عزیزان اهل سنت باید به این سؤال پاسخ بدهند: "چقدر معاویه و یزید را در شهادت امام حسین (علیه السلام) مؤثر می‌دانند؟!"; حتی می‌توانند نقش او را به عنوان درصد برای ما معین کنند.

عزیزان شیعه مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هم باید ولایت مولا امیرالمؤمنین را از آیات و روایات ثابت کنند؛ سپس سؤالاتی که دارند را مطرح کنند. بنده دعوت می‌کنم امشب تا آخر برنامه را همراهی بفرمایید، زیرا نکات خوب و ارزشمندی نصیب شما خواهد شد.

اثبات کفر «معاویه»، با روایات صحیح السند!

استاد! یک روایت از قول رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) بیان شده است. می‌خواهیم ببینیم که آیا حدیث: «يَمُوتُ مُعَاوِيَةُ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي» یعنی معاویه بر غیر از ملت من از دنیا خواهد رفت، در منابع اهل سنت وارد شده است یا نه؟! طبق این روایت مرگ معاویه، مرگ غیر مسلمان است!

استاد بررسی بفرمایید که این روایت در منابع اهل سنت وارد شده است یا نه و به چه صورت است!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلوة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله الى يوم لقاء الله افوض امرى الى الله ان الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

همانطوری که عزیزمان هم اشاره کردند، ما بحث معاویه را از بحث صحابه کاملاً جدا می‌دانیم. در این زمینه تعبیری از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) وجود دارد که ما بارها از کتاب «نهج البلاغه» برای عزیزان آوردیم.

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در نامه ۱۶ قسم یاد می‌کنند و می‌فرمایند:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسَلَمُوا وَ أَسْرُوا الْكُفْرَ فَلَمَّا وَجَدُوا أَعْوَانًا رَجَعُوا إِلَيَّ

عَدَوَاتِهِمْ»

به خدا سوگند که معاویه و یارانش اصلاً اسلام نیاوردند، تظاهر به اسلام کردند و کفر خودشان را مخفی کردند و امروز در جنگ صفین یارانی برای کفرشان پیدا کردند و کفرشان را ظاهر کردند.

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۷۴، ۱۶

همین تعبیر در کتاب «مجمع الزوائد» در جلد اول از قول «عمار یاسر» مفصلاً مطرح شده است.

«والله ما أسلموا ولكن استسلموا وأسرروا الكفر فلما رأو عليه أعوانا أظهروه»

سپس آقای «هیثمی» می‌گوید:

«وسعد بن حذيفة لم أر من ترجمه»

ندیدم کسی سعد بن حذیفه را ترجمه کرده باشد.

مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، اسم المؤلف: علی بن ابی بکر الهیثمی، دار النشر: دار الریان للتراث/دار

الکتاب العربی - القاهرة، بیروت - ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۱۱۳، باب منه فی المنافقین

ما نمی‌خواهیم بگوییم ایشان در این حرفش تعمد داشته است، شاید حافظه‌اش یاری نکرده است؛ اما شما کتاب «الثقات» اثر «ابن حبان» متوفای ۳۵۴ هجری را مشاهده کنید. در جلد چهارم این کتاب «سعد بن حذیفه» را جزو ثقات مطرح کرده است!

این مطلب خیلی واضح و روشن است و هیچ جای تردیدی نیست و «لم أر من ترجمه» دیگر معنا ندارد. آقای «هیثمی» متوفای ۸۰۷ هجری است و آقای «ابن حبان» متوفای ۳۵۴ هجری است؛ در این میان فاصله زیادی است.

با اینکه بیش از چهارصد سال قبل «ابن حبان» ایشان را در کتاب «الثقات» خود آورده است و او را ترجمه و توثیق کرده است؛ جناب هیثمی می‌گوید من ندیدم کسی او را ترجمه کرده باشد!!

و اینکه می‌گویند: "«ابن حبان» جزو متساهلین بوده است"، خلاف آن ثابت شده است! اگر کسی کتاب «المجروحین» اثر «ابن حبان» را مطالعه کند، می‌بیند که ایشان جزو متشددین بوده است نه متساهلین! بنابراین ما کاری با آن نداریم.

جناب آقای «دکتر علی سامی النشار» از علمای بزرگ معاصر در کتاب «نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام» در مورد معاویه روایتی آورده است. ایشان از علمای بزرگ اهل سنت است و اصلاً شیعه نیست و شافعی مذهب است. او در جلد دوم صفحه ۱۹ می‌گوید:

«فان الرجل لم يؤمن ابداً بالاسلام»

معاویه هرگز به اسلام ایمان نیاورده است.

نشأة الفكر الفلسفی فی الإسلام؛ ج ۲، ص ۱۸ ط السابعة، دار المعارف سنة ۱۹۷۷ م

سایت «ویکی پدیا» شرح حال آقای «علی سامی النشار» را آورده و در مورد او می‌نویسد:

«أحد كبار المفكرين الإسلاميين فی القرن العشرين»

او یکی از بزرگ‌ترین متفکرین اسلامی در قرن بیستم است،

«كان عالماً كبيراً شافعی المذهب»

حتی می‌گوید: بعضی از بزرگان، او را به عنوان «رئیس الاشاعره فی العصر الحدیث» آورده‌اند؛ تصویر ایشان را هم مشاهده می‌کنید. این دیگر به شیعه ارتباطی ندارد؛ اما متأسفانه علمای بزرگوار اهل سنت این مطالب را در مورد معاویه مطرح نمی‌کنند!

عزیزان اهل سنت وقتی روی آنتن می‌آیند، معاویه را «امیر معاویه» خطاب می‌کنند و از او دفاع می‌کنند!! چند روز پیش یکی از عزیزان اهل سنت تماس گرفته بود و می‌گفت: من شیعه شده‌ام و علت استبصار من هم این بود که کنار قبر «حجر بن عدی» رفتم و دیدم نوشته است:

«حجر بن عدی (رضی الله عنه) قتل بأمر معاویة (رضی الله عنه)»

این مسئله خنده‌دار است! آدم نمی‌داند در مورد این افراد چه چیزی بگوید. یک کسی دستور قتل می‌دهد و کسی را می‌کشند، هردو نفر، چه قاتل و چه مقتول (رضی الله عنه) می‌شوند!! پس مصداق آیه شریفه:

(وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا)

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد جزایش جهنم است که جاودانه در آن باشد،

سوره نساء (۴): آیه ۹۳

کجا رفته است؟ نمی‌دانیم!!

اما در رابطه با حدیثی که حضرتعالی فرمودید، در کتاب «مسائل امام أحمد بن حنبل» به روایت «اسحاق بن ابراهیم نیشابوری» با تحقیق «زهیر شاپوش» نقل شده است:

«سمعت علی بن جعد يقول مات والله معاوية على غير الاسلام»

از علی بن جعد شنیدم که می‌گفت: به خدا سوگند معاویه بر غیر اسلام مُرد.

بعداً در رابطه با «علی بن جعد» صحبت خواهم کرد. همچنین در کتاب «أنساب الاشراف» اثر «بلاذری» با تحقیق «دکتر سهیل زکار» و «دکتر ضیاء ریاض الزرکلی» جلد پنجم صفحه ۱۲۶ این روایت وارد شده است که شاید بیش از ۵۰ کتاب اهل سنت آن را نقل کرده‌اند.

«كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: [يَطْلُعُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْفَجِّ رَجُلٌ يَمُوتُ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي،»

نزد رسول گرامی اسلام بودیم که فرمودند: الان از این در مردی وارد می‌شود که بر غیر ملت من می‌میرد.

«قَالَ: وَكُنْتُ تَرَكْتُ أَبِي قَدْ وُضِعَ لَهُ وَضُوءٌ، فَكُنْتُ كَحَابِسِ الْبُولِ مَخَافَةَ أَنْ يَجِيءَ،»

راوی می‌گوید: من پدرم را ترک کردم که برای وضو گرفتن برود. خودم احتیاج شدیدی به دستشویی داشتم، اما از ترس اینکه نبینم این شخص چه کسی است، خود را حبس کردم.

«قَالَ: فَطَلَعَ مُعَاوِيَةَ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: هُوَ هَذَا! »

راوی در ادامه می‌گوید: معاویه وارد شد و رسول گرامی اسلام فرمودند: شخصی که گفتم بر غیر ملت من از دنیا می‌رود همین شخص است.

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البَلَدْرِي (المتوفى: ۲۷۹ هـ)،
تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلى، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج
۵، ص ۱۲۶، ح ۳۶۲

بررسی سندی روایات:

ملاحظه بفرمایید که ما راویان این روایت را تک تک بررسی می‌کنیم:

در کتاب «تقریب التهذیب» اثر «ابن حجر عسقلانی» جلد اول صفحه ۱۰۳ شماره ۳۸۴ «اسحاق بن منصور» است که از روایت «بخاری»، «مسلم»، «ترمذی»، «نسائی» و «ابن ماجه» است؛ ایشان او را ثقة خطاب می‌کند.

«عبدالرزاق صنعانی» استاد «بخاری» است که از روایت صحاح سته است. «ابن حجر» در مورد او می‌گوید:

«ثقة حافظ و كان يتشيع»

تقریب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الرشيد - سوريا - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عوامة؛ ج ۱، ص ۳۵۴، شماره ۴۰۶۴

او را به تشیع نسبت داده‌اند؛ حال آنکه «یحیی بن معین» در کتاب «تهذیب التهذیب» به صراحت می‌گوید:

«لو ارتد عبد الرزاق ما تركنا حديثه»

اگر عبدالرزاق مرتد هم شود، ما روایات او را ترک نمی‌کنیم.

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار

الفکر - بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۶، ص ۲۸۰، ح ۶۱۱

ما بارها این روایت را بیان کردیم که در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد نهم صفحه ۵۷۰ وارد شده است آقای

«عبدالرزاق صنعانی» نشسته بود که شخصی اسم معاویه را آورد؛ او گفت:

«لا تقذر مجلسنا بذكر ولد أبي سفيان»

مجلس ما را با ذکر پسر ابوسفیان نجس نکن.

سیر أعلام النبلاء ، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر:

مؤسسة الرسالة - بیروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعيب الأرناؤوط ، محمد نعيم العرقسوسي،

ج ۹، ص ۵۷۰

این دلیل این است که این شخص حتماً شیعه بوده است!! همچنین «معمر بن راشد» از روات «بخاری»،

«مسلم» و سایر صحاح سته است. «ابن حجر عسقلانی» در مورد او می‌گوید:

«ثقة ثبت فاضل»

تقريب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار

الرشيد - سوريا - ۱۴۰۶ - ۱۹۸۶، الطبعة: الأولى ، تحقیق: محمد عوامة؛ ج ۱، ص ۵۴۱، شماره ۶۸۰۹

همچنین در مورد «عبدالله بن طاووس» بیان شده است که:

«ثقة فاضل عابد»

تقريب التهذيب، اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي، دار النشر: دار

الرشيد - سوريا - ١٤٠٦ - ١٩٨٦، الطبعة: الأولى، تحقيق: محمد عوامة؛ ج ١، ص ٣٠٨، شماره ٣٣٩٧

«سير أعلام النبلاء» هم همین تعبیر را دارد. «عبدالله بن عمرو عاص» هم که صحابی است و در او هیچ شکی نیست.

بنابراین مشاهده می کنید که «عبدالله بن عمرو عاص» اولین راوی این روایت است که صحابی است که آقایان در مورد صحابی می گویند: "فوق وثاقت است!"؛ بعد از او «عبدالله بن طاوس» است که «ذهبی» و «ابن حجر» او را «ثقة فاضل» می دانند.

بعد از «عبدالله بن طاوس» شخصی به نام «معمر بن راشد» است که در مورد او «ثقة ثبت فاضل» را بیان کرده اند. همچنین «عبدالرزاق صنعانی» به همین شکل است، بعد از او «اسحاق بن منصور» است که در مورد او «ثقة ثبت» آورده اند. بنابراین تمام راویان این روایت مورد وثوق هستند و اینطور نیست که آقایان در مورد او ادعایی کنند.

ما روایت را دومرتبه مرور می کنیم و تقاضا دارم عزیزان خوب دقت کنند. در کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد پنجم صفحه ١٢٦ وارد شده است که پیغمبر اکرم فرمودند: از این در کسی وارد می شود که به غیر از ملت من از دنیا می رود؛ به بیان بهتر کافر از دنیا می رود، در همین حال معاویه وارد شد!!

این کتاب دیگر کتاب «کافی» نیست که شما به «کلینی» فحش بدهید، کتاب «تهذیب» نیست که به «شیخ طوسی» فحش بدهید، کتاب «من لا یحضره الفقیه» نیست که به «شیخ صدوق» توهین کنید و کتاب «بحارالانوار» نیست که به «علامه مجلسی» توهین کنید.

این کتاب اثر آقای «بلاذری» از علمای بزرگ شما اهل سنت است و سند این روایت هم صحیح است و در او هیچ شک و شبهه‌ای نیست.

حمله تند معاویه ثانی، به یزید و معاویه بن ابوسفیان!

همچنین مشاهده کنید در کتاب «النجوم الزاهرة فی ملوک المصر و القاهرة» اثر آقای «اتابکی» است که متوفای ۸۷۴ هجری است و یکی از کتابهای معتبر تاریخی اهل سنت است؛ در رابطه با «ذکر خلافة معاویه بن یزید بن معاویه» نقل می‌کند که «معاویه بن یزید بن معاویه» پسر یزید و نوه معاویه است. زمانی که یزید به درک واصل شد، پسر او بالای منبر رفت و گفت:

«أیها الناس، إن جدی معاویه نازع الأمر أهله ومن هو أحق به منه لقربانته من رسول الله صلی الله علیه وسلم وهو علی بن أبی طالب»

ای مردم، جد من معاویه در امر خلافت با علی بن ابی طالب قتال و منازعه کرد، حال آنکه علی به دلیل قربانش به رسول الله به حق بوده است.

«ورکب بکم ما تعلمون»

او بر گرده شما سوار شد و خود را تحمیل کرد که خود بهتر می‌دانید.

«حتى أتته منيته، فصار فی قبره رهیناً بذنوبه وأسیراً بخطایاه»

تا اینکه مرگش فرا رسید، او در قبر رفت درحالی‌که در گرو گناهانش و اسیر خطاهایش است.

«ثم قلد أبی الأمر فکان غیر أهل لذلك، وركب هواه وأخلفه الأمل، وقصر عنه الأجل. وصار فی قبره رهیناً بذنوبه، وأسیراً بجرمه»

بعد از او پدر من یزید اهلیتی برای خلافت نداشت، او بر مرکب هوا و هوس خودش سوار شد و در قبر رفت و گرفتار گناهان و اسیر جرمش هست.

«ثم بکی حتی جرت دموعه علی خدیہ»

او سپس گریه کرد به طوری که قطرات اشکش بر گونه‌هایش جاری بود.

«ثم قال: إن من أعظم الأمور علينا علمنا بسوء مصرعه وبئس منقلبه»

سپس گفت: من می‌دانم که پدر من در بدترین جا گرفتار بدترین عذاب است و در بدترین جایگاه قرار گرفته است.

«وقد قتل عتره رسول الله صلى الله عليه وسلم وأباح الحرم وخرب الكعبة»

او عترت پیغمبر اکرم را به شهادت رساند و حرمت‌ها را مباح کرد و خانه خدا را خراب کرد.

النجوم الزاهرة فى ملوك مصر والقاهرة، المؤلف: يوسف بن تغرى بردى بن عبد الله الظاهري الحنفى، أبو المحاسن، جمال الدين (المتوفى: ٨٧٤ هـ)، الناشر: وزارة الثقافة والإرشاد القومي، دار الكتب، مصر، ج ١، ص ١٦٤

این روایت خیلی جالب است! عرض می‌کنم که شبکه ما شبکه‌ای سیاسی نیست و خیلی میل هم نداریم در بحث‌های سیاسی ورود پیدا کنیم؛ اما ما به آنچه مرتبط با وهابیت است ورود پیدا می‌کنیم و دیگر بحث سیاسی برای ما مطرح نیست.

در حال حاضر وهابیت به عنوان یک مرکز شرارت مطرح شده است و عربستان سعودی به عنوان مرکز شرارت مطرح شده است که تمام دنیا را ناامن کرده است.

همین امروز غروب دوستان برای من از ایتالیا و انگلستان مقالاتی فرستاده بودند که در همین هفته گذشته در ایتالیا و انگلستان در روزنامه‌های پرتیراژ آنجا، علیه عربستان سعودی که عامل تروریست است؛ مطالبی نوشته بودند.

در حال حاضر عربستان سعودی موجب ناامنی در دنیا شده و عامل کشتار کودکان و زنان بی‌گناه شده است. از این دو کشور حدود ۸ مقاله برای من فرستادند؛ من این مقالات را برای آقای ابوالقاسمی فرستادم که در برنامه‌های خود از این مقالات استفاده کنند.

خود دنیا متوجه شده است! هفته گذشته ما شاید حدود هشت مقاله در سایت‌های پرتیراژ آمریکا داشتیم. هفته گذشته چندین رسانه پر بیننده غرب علیه عربستان سعودی و علیه وهابیت موضع گرفتند! این افراد دیگر به سرایشی افتاده اند.

مجری:

طبق آماري که همین امروز دادند، تا الآن ده هزار کودک در یمن به دست مزدوران عربستانی کشته شدند!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این فاجعه، لکه ننگی بر دامن سازمان حقوق بشر شد که هرگز فراموش شدنی نیست!! اینها اعلام کردند که درست است عربستان جنایات جنگی مرتکب شده و اطفال بی‌گناه را کشته است، اما اگر عربستان را محکوم کنیم درآمدهای ما را قطع می‌کند و ما توان اداره کردن خود را نداریم!!

شما باید اسم سازمانتان را بردارید و آن را به «سازمان حقوق جنایتکاران» تغییر بدهید!!

مجری:

همین چند روز پیش هم عربستان عضو همین سازمان حقوق بشر سازمان ملل شده است!!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

کار ایشان همانند این است که گرگ را چوپان گله گوسفندان، قرار بدهند!! این موارد نشانگر این است که جهان در انتظار عدالت حضرت بقیة الله الأعظم (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه) است.

آیا امام حسین (علیه السلام) با «عمر بن سعد» مذاکره کرد؟

بعضی افراد دل خوش کرده بودند که: "آمریکا چنین و چنان است، ما باید کدخدا را ببینیم، امام حسین (علیه السلام) هم با «عمر بن سعد» مذاکره کرد و ما هم باید با آمریکا مذاکره کنیم" این حرفها نیست!!

اولاً این حرفها به هر زبانی گفته شود و از جانب هرکسی گفته شود، خیانت به آقا امام حسین (علیه السلام) است. بحث مذاکره‌ای در کار نبوده است؛ امام حسین (علیه السلام) اگر با دشمنان صحبت کردند به عنوان اتمام حجت بوده است.

شما ببینید آن بزرگوار در آخرین حرف خودشان با دشمنان، حقانیت و مظلومیت خودشان را مطرح می‌کنند و به صراحت می‌فرماید:

«يا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أحراراً فِي دُنْيَاكُمْ»

ای شیعه آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، حداقل در دنیا آزادمرد باشید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر، ج ۴۵، ص ۵۱، بقية الباب ۳۷

یا می فرماید:

«إِنَّ الدَّعِيَّ ابْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ اثْنَتَيْنِ بَيْنَ السَّلَّةِ وَ الدَّلَّةِ وَ هِيَ هَاتِ مَنَا الدَّلَّةُ»

این زنازاده پسر زنازاده من را بین ذلت و عزت مخیر کرده است، به خدا سوگند زیر بار ذلت نمی‌روم.

بحار الأنوار (ط - بيروت)؛ ج ۴۵، ص ۹، بقية الباب ۳۷

این موارد مذاکره است؟! نمی‌دانیم قضایا چیست و ما داریم کجا می‌رویم!! اینکه ما برای پیاده کردن اهداف خودمان از امام حسین (علیه السلام) مایه بگذاریم گمان نمی‌کنم زیبنده باشد.

حضرت سید الشهداء (علیه السلام) از همان حرکت اولیه از مدینه وصیتی برای برادرشان «محمد حنفیه» می‌نویسند و حکومت یزیدی را محکوم می‌کند و اعلام برائت می‌کند.

امام حسین (علیه السلام) در سخنرانی خودشان در مکه به همین شکل فرمایشاتی را بیان می‌کنند، همچنین در مسیر، در چندین منزل علیه دودمان بنی امیه سخنرانی می‌کنند. زمانی که با جناب «حر» مواجه می‌شوند، می‌فرمایند:

«أَلَا تَرَوْنَ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ الْبَاطِلَ لَا يَتَنَاهَى عَنْهُ»

آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و منکر مورد اجتناب قرار نمی‌گیرد،

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر، ج ۴۴، ص ۱۹۲، ح ۴

حضرت می‌فرماید: "این افراد سنت پیغمبر اکرم را نابود کردند و علیه قرآن کریم قیام کردند." تمام این مسائل در صحبت‌های سیدالشهدا (علیه السلام) موج می‌زند.

بنابراین جهان اسلام امروز گرفتار این مصیبت‌ها شده است. من از همه عزیزان بیننده مخصوصاً عزیزانی که در کشورهای غربی هستند، تقاضا می‌کنم به این مسائل خوب دقت کنند.

ما تلاش می‌کنیم آدرس روزنامه‌ها و رسانه‌های بین المللی که علیه عربستان سعودی مخصوصاً با واژه «وهابیت» موضع گرفتند و دارند حمله می‌کنند را در سایت «مؤسسه ولی عصر» و سایت «شبکه جهانی ولایت» قرار بدهیم تا عزیزان مشاهده کنند.

ان شاءالله اگر فرصتی باشد من چندین جلسه در رابطه با وضع عربستان سعودی و جنایاتی که در تاریخ مرتکب شده است، بحث خواهم کرد که شاید جنایت یمن در برابر آنها ناچیز باشد!!

به عنوان نمونه زمانی که تعدادی از بزرگان «مطیر» را دستگیر کردند، ریش سفیدان برای وساطت آمده بودند؛ دستور داد غذا پختند، سفره را پهن کردند، سر زندانیان را بریدند و وسط غذا گذاشتند و به آنها گفتند: "بفرمایید غذا بخورید!!"

شما حساب کنید سر این افراد را بریده باشند و سر سفره گذاشته باشند و به آنها غذا تعارف کنند. این افراد از آن غذا نخوردند و شاه عربستان دستور داد سر این افراد را هم بریدند و کنار سر آنان گذاشتند!!

ان شاءالله این مسائل را مطرح خواهیم کرد. اگر هفته آینده جناب آقای اسماعیلی تذکر بدهند، بنده به اندازه پنج دقیقه در رابطه با "دستور مفتیان وهابی بر قتل غیر مسلمانان" صحبت خواهم کرد.

آنها می گویند ما باید در تمام کشورهای دنیا غیر مسلمانان از جمله مسیحیان و یهودیان را بکشیم، زنان و دخترانشان را اسیر بگیریم تا این افراد تابع اسلام باشند؛ تقاضا دارم عزیزان این مطالب را منتشر کنند.

تقاضا می کنم دوستان ما این موارد را به صورت کلیپ دریاورند، در هر کشوری هستند به زبان خود آن کشور متن را ترجمه کنند تا مردم بیدار شوند. ما کاری با حکومتها نداریم، حکومتها کار خودشان را انجام می دهند.

مجری:

یعنی جنگ و کشتار این وهابی ها و تکفیری ها، تنها مخصوص شیعه نیست!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

نخیر، تنها مخصوص شیعه نیست؛ این افراد بساطی دارند که فکر می کنند همین چند میلیون وهابی مسلمان هستند و خونشان محترم است. آنها معتقدند که شیعیان مهدور الدم هستند، اهل سنت مهدور الدم هستند،

مسیحیان مهدور الدم هستند، یهودیان مهدور الدم هستند و لائیک‌ها مهدور الدم هستند؛ به عبارت دیگر هرکسی غیر از وهابیت مهدور الدم هستند.

شخصی که مواد منفجره به خود می‌بندد و در فرانسه یا آلمان و بلژیک خود را منفجر می‌کند، تماماً برگرفته از فتاوی تکفیری مفتیان این افراد از قبیل «بن باز»، «ابن عثیمین»، «ابن تیمیه» و «محمد بن عبدالوهاب» است.

این افراد قتل غیر وهابی را لازم و واجب می‌دانند. این نکته را به خاطر داشته باشید که این افراد می‌گویند: "ما زنان غیر مسلمان و دختران غیرمسلمان را باید به اسارت بگیریم!"

اگر این افراد به حکومت برسند یا افرادی که داعیه خلافت اسلامی را داشتند در سوریه و عراق حکومت تشکیل می‌دادند که الحمدلله ناکام ماندند، اگر به سر منزل مقصود می‌رسیدند تمام جهان را ناامن می‌کردند!

من از همین جا به عزیزانمان در افغانستان عرض می‌کنم که این افراد طبق برنامه جدیدی که دارند خود را در عراق و سوریه شکست خورده می‌دانند و دستور دادند که مقرر فرماندهی را به افغانستان منتقل کنند!!

عزیزان افغانی، عزیزان اهل سنت افغانی و عزیزان شیعه افغانی حواستان را جمع کنید!! اگر این افراد به کشور شما بیایند نه به سنی رحم می‌کنند، نه به شیعه رحم می‌کنند، نه به مسیحی رحم می‌کنند و نه به یهودی رحم می‌کنند؛ این افراد به هیچکسی رحم نمی‌کنند.

اگر آن‌ها به افغانستان بیایند، همین امنیتی که در آنجا برقرار است را هم از دست شما می‌گیرند. حواستان را جمع کنید و مشتکی محکم بر دهان کسانی که از داعش و سلفیون طرفداری می‌کنند بزنید و به هر نحوی که شده آنان را از کشورتان بیرون بفرستید.

نگذارید شیاطین بیایند در کشور شما لانه کنند. شاید چند صباح دیگر اگر عزیزان ما در افغانستان مقداری

غفلت کنند، این افراد به آنجا بیایند و در آنجا اتراق کنند، هیچگونه امنیتی برای عزیزان ما نخواهد بود!!

عجیب است که دو روز پیش حوثی‌ها موشکی را به فرودگاه جده عربستان که فرودگاهی نظامی است پرتاب

کردند. این افراد بلافاصله اعلام کردند: "این افراد می‌خواهند مکه را نابود کنند!!"

خبثت و شرارت این افراد را مشاهده کنید! چطور شد که از یمن می‌خواستند مکه را بزنند، این موشک با ۶۵

کیلومتر اختلاف بر زمین نشست؟! جالب است که می‌گویند: "ما در هوا این موشک را منفجر کردیم!"

اگر در هوا زدید باید نزدیک مکه بزنید و در مسیر بزنید. با ۶۵ کیلومتر فاصله چطور به آنجا زدید؟! اینکه در

اقدامی رفت و آمد به فرودگاه جده را بستید و در همه خبرگزاری‌ها هم منعکس شد را می‌خواهید چکار کنید!؟

عزیزان شیعه و کسانی که عرض من را در سراسر جهان می‌شنوید، شما را قسم می‌دهم به آبروی سیدالشهدا

(علیه السلام) و به آبروی کعبه مکرمه‌ای که برای همه عزیز و گرامی هست، بدانید که این افراد به دنبال این

هستند که با همکاری صهیونیسم کعبه را ویران کنند!

هدف آن‌ها از این کار این است که از طرف یمن موشکی به کعبه بزنند و بگویند: "حوثی‌ها زدند کعبه را خراب

کردند!" برای این افراد این قضایا اصلاً مطرح نیست. آنچه برای این افراد مهم است، بقای حکومت فاسدشان

است.

ظاهراً برای این قضایا مدارکی هم وجود دارد. بنده الآن مدرکی نشان نمی‌دهم، اما اگر لازم شد من تمام مدارک

را نشان می‌دهم یا اینکه به جناب آقای ابوالقاسمی می‌سپارم تا اعلام کنند که این افراد به نام حوثی‌ها یا به نام

ایران قصد چنین توطئه‌ای را دارند.

آن‌ها می‌خواهند به نام حوثی‌ها یا به نام ایران موشکی به کعبه بزنند و فریاد وامصیبتا سر بدهند! مثل معاویه که مشابه این کار را انجام داد؛ او قرآن‌ها را به سر نیزه زد و ندای مظلومیت سر داد؛ اینها نیز قصد چنین کاری را دارند!

بعضی از دلباختگان صهیونیسم، این اقدام را محکوم کردند و به آنان تسلیت گفتند که حوثی‌ها می‌خواستند مکه را ویران کنند، اما الحمدلله عربستان سعودی موشک‌ها را در هوا نابود کرد!! اگر شما موشک را در هوا زدید، حداقل یک فیلم یا نشانه‌ای از این قضیه پخش کنید!!

من در خدمت حضرتعالی هستم.

مجری:

ممنونم. استاد وقت ما خیلی زیاد نیست، اما به دلیل اینکه می‌خواهم بحث علمی ما مقداری بیشتر باشد، یک سؤال دیگر هم مطرح می‌کنم. می‌خواهیم یکی دیگر از احادیثی که در مذمت معاویه است را مشاهده کنیم که آیا آن هم در منابع اهل سنت آمده است یا خیر!

اگر روایت: «إِنَّ مُعَاوِيَةَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ» را به صورت مختصر بفرمایید که در کجا آمده است تا ان شاءالله وقت بینندگانمان هم حفظ شود، از شما ممنون می‌شوم.

«معاویه» در تابوتی از آتش، در جهنم!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این روایت در کتب متعدد وارد شده است که اگر من بخواهم این روایت را به طور مفصل مطرح کنم، شاید خودش نیم ساعت طول بکشد. من این روایت را از منبعی که از نظر سندی مشکلی ندارد، مطرح می‌کنم.

در کتاب «أنساب الأشراف» اثر «بلاذری» جلد پنجم صفحه ۱۲۸ وارد شده است که «خلف بن هشام» از «ابو عوانه» از «اعمش» از «سالم بن ابي جعد» نقل می‌کند:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مُعَاوِيَةُ فِي تَابُوتٍ مُقْفَلٍ عَلَيْهِ فِي جَهَنَّمَ»

رسول الله فرمودند: معاویه در تابوتی قفل شده در جهنم است.

جمل من أنساب الأشراف، المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر بن داود البلاذري (المتوفى: ۲۷۹ هـ)،
تحقيق: سهيل زكار ورياض الزركلى، الناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، ۱۴۱۷ هـ - ۱۹۹۶ م، ج
۵، ص ۱۲۸، ح ۳۷۰

در روایات متعدد وارد شده است که معاویه در جهنم در درک اسفل است و تنها یک درجه از فرعون بالاتر است و آن هم به خاطر این است که فرعون خود را خدا خواند، اما معاویه این ادعا را مطرح نکرد. در این زمینه روایات فراوانی وجود دارد، حال اگر لازم شد به بعضی از این روایات اشاره می‌کنم.

اگر بخواهیم راویان این روایت انساب الأشراف را بررسی کنیم، اولین راوی «ابو عوانه الیضاح الیشکری» است. در کتاب «تهذیب الکیمال» اثر «مزى» جلد ۳۰ در رابطه با «ابو عوانة بن وضاح یشکری» وارد شده است:

«أبو عوانة صحيح الكتاب كثير العجم والنقط كان ثبنا وأبو عوانة في جميع حاله أصح حديثا عندنا من
شعبة وقال أبو طالب سئل أحمد بن حنبل أبو عوانة أثبت أو شريك قال إذا حدث أبو عوانة من كتابه فهو
أثبت»

همچنین می‌گوید:

«وحدث يزيد بن عطاء ضعيف ثبت أبو عوانة وسقط مولاة يزيد وقال أبو زرعة ثقة إذا حدث من كتابه
وقال أبو حاتم كتبه صحيحة وإذا حدث من حفظه غلط كثيرا وهو صدوق ثقة»

تهذيب الكمال، المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن أبو الحجاج المزى، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٠ - ١٩٨٠، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ٣٠، ص ٤٤٦، ح ٦٦٨٨ - ع
الوضاح بن عبد الله اليشكري أبو عوانة

راوى بعدى «أعمش» است، در كتاب «تذكرة الحفاظ» جلد اول در مورد ایشان می گوید:

«وكان رأساً فى العلم النافع والعلم الصالح»

تذكرة الحفاظ، تأليف: محمد بن أحمد بن عثمان الذهبى، دراسة وتحقيق: زكريا عميرات، الناشر: دار الكتب العلمية بيروت-لبنان، الطبعة الأولى ١٤١٩ هـ - ١٩٩٨ م، ج ١، ص ١١٦

راوى بعدى «خلف بن هشام» است که در كتاب «تهذيب الكمال» جلد هشتم در مورد او وارد شده است:

«هو والله عندنا الثقة الأمين شرب أو لم يشرب»

تهذيب الكمال، المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن المزى، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٠ - ١٩٨٠، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ٨، ص ٣٠١، ش ١٧١٣

راوى بعدى «سالم بن أبى جعد» است که در كتاب «تهذيب الكمال» جلد دهم در مورد او وارد شده است:

«قال إسحاق بن منصور عن يحيى بن معين وأبو زرعة والنسائى ثقة»

تهذيب الكمال، المؤلف: يوسف بن الزكي عبدالرحمن المزى، الناشر: مؤسسة الرسالة - بيروت، الطبعة الأولى، ١٤٠٠، تحقيق: د. بشار عواد معروف، ج ١٠، ص ١٣٢، ش ٢١٤٢

بر فرض که این افراد تضعیف هم داشته باشند؛ ما مبنایی در رجال داریم که اگر یک راوی توثیق داشته باشد و تضعیف هم داشته باشد، روایت او حسن است. به عنوان مثال «طبری» که مورد تأیید اهل سنت است، در جلد پنجم صفحه ۶۲۲ به طور مفصل می‌نویسد:

«إن معاوية في تابوت من نار في أسفل درك»

معاویه در تابوتی از آتش در پایین‌ترین مرتبه جهنم است.

تاریخ الطبری، اسم المؤلف: لأبي جعفر محمد بن جرير الطبري، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج ۵، ص ۶۲۲، باب ذكر الخبر عما كان فيها من الأحداث الجليلة

شما ببینید در کتاب «سؤالات ابی عبید آجری» جلد اول در مورد «علی بن الجعد» وارد شده است:

«الجوهري، البغدادي، ثقة ثبت، رمى بالتشيع»

سؤالات ابی عبید الآجری أبا داود السجستاني، سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني، سنة الولادة ۲۰۲ / سنة الوفاة ۲۷۵، تحقيق محمد علي قاسم العمري، الناشر الجامعة الإسلامية، سنة النشر ۱۳۹۹ - ۱۹۷۹، مكان النشر المدينة المنورة، ج ۱، ص ۲۵۴، ش ۳۳۸

اگر کسی نسبت به معاویه حرف بزند، می‌گویند: "حتماً شیعه بوده است!" همچنین نسبت به راوی بعدی که «عمر بن مرزوق» است وارد شده است:

«ثقة له أوهام»

سؤالات ابی عبید الآجری أبا داود السجستاني، سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني، سنة الولادة ۲۰۲ / سنة الوفاة ۲۷۵، تحقيق محمد علي قاسم العمري، الناشر الجامعة الإسلامية، سنة النشر ۱۳۹۹ - ۱۹۷۹، مكان النشر المدينة المنورة، ج ۱، ص ۲۵۴، ش ۳۳۸

شما ببینید «علی بن جعد» که مورد وثوق است، می‌گوید:

«ما ضرني أن يعذب الله معاوية»

من هیچ ابایی ندارم که معتقد باشم خدای عالم معاویه را عذاب می‌کند.

سؤالات **أبي عبید الآجری** **أبا داود السجستانی**، **سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني**، سنة الولادة

٢٠٢ / سنة الوفاة ٢٧٥، تحقيق **محمد على قاسم العمرى**، الناشر **الجامعة الإسلامية**، سنة النشر **١٣٩٩** -

١٩٧٩، مكان النشر **المدينة المنورة**، ج **١**، ص **٢٥٤**، ش **٣٣٨**

این مطالب کاملاً واضح و روشن است که آقایان در رابطه با «رمی بالتشیع» ادعا می‌کنند که این شخص شیعه است. در شبکه‌های شیطانی هم زمانی که می‌خواهند یک روایت را رد کنند، می‌گویند: "راوی شیعه است و مورد تأیید ما نیست!"

در کتاب «میزان الاعتدال» اثر «ذهبی» می‌گوید: در رابطه با «أبان بن تغلب» بعضی افراد می‌گویند که این شخص شیعه است یا شیعه غالی است؛ ذهبی می‌گوید:

«فلو رد حديث هؤلاء»

احادیثی که شیعیان در کتاب‌های ما دارند را بخواهیم رد کنیم،

«لذهب جملة من الاثار النبوية وهذه مفسدة بينة»

جمله‌ای از آثار نبویه نابود خواهد شد و این فساد آشکار است.

میزان الاعتدال فی نقد الرجال، اسم المؤلف: شمس الدین محمد بن أحمد الذهبی، دار النشر: دار
الکتب العلمیة - بیروت - ۱۹۹۵، الطبعة: الأولى، تحقیق: الشیخ علی محمد معوض والشیخ عادل أحمد
عبدالموجود، ج ۱، ص ۱۱۸، باب حرف الالف

آقای «خطیب بغدادی» در کتاب «الکفایة» که یکی از کتب معتبر اهل سنت است، می‌گوید: اگر ما بخواهیم
روایات اهل کوفه را به خاطر تشیع طرد کنیم، کتاب‌های ما نابود می‌شود. او به صراحت بیان می‌کند که اگر
بخواهیم آن‌ها را حذف کنیم، دیگر کتابی برای ما باقی نمی‌ماند!!

همچنین «ابن حجر عسقلانی» در کتاب «تهذیب التهذیب» جلد پنجم می‌گوید:

«لولا رجلا من الشيعة ما صح لهم حديث»

اگر دو راوی شیعه را کتاب‌ها بردارید، دیگر راوی صحیحی ندارید.

«عباد بن یعقوب و ابراهیم بن محمد بن میمون». قال الدارقطني: «شيعي صدوق»

تهذیب التهذیب، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار
الفکر - بیروت - ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴، الطبعة: الأولى، ج ۵، ص ۹۵، ش ۱۸۳

این مطالب کاملاً واضح و روشن است؛ حال اگر شیعه بودن راوی، مذمت است، شما بفرمایید «ذهبی» می‌گوید:
"اگر بنا باشد که ما بخواهیم نقطه ضعفی از روایات به خاطر شیعه بودن بگیریم، روایات صحابه و تابعین هم زیر
سؤال می‌رود".

او به صراحت می‌گوید: "اگر ما بخواهیم باب جرح و تعدیل را به روی خودمان باز کنیم، حتی یک نفر از صحابه
هم سالم نخواهد ماند.!! آقایان با این وضع در شبکه‌ها تبلیغ می‌کنند و می‌گویند: "شیعه رجال ندارد!!"

«ذهبی» می‌گوید: اگر ما بخواهیم روایت شیعه را از کتاب‌های خود برداریم، کتاب‌های ما تخریب می‌شود، آثار سنت نبویه از بین می‌رود و مفسده بینه ایجاد می‌شود!!

ما قبلاً بیان کردیم که تعداد زیادی از اساتید «بخاری» و «مسلم» شیعه بوده‌اند. شما بیابید روایات راویان شیعه را از کتاب «صحیح بخاری» و «صحیح مسلم» حذف کنید؛ چه چیزی باقی می‌ماند؟!

بنابراین روایتی که ما از آقای «علی بن جعد» آوردیم که در مورد او «رمی بالتشیع» می‌گوید، نسبت به افراد دیگری از قبیل «نسائی»، «عبدالرزاق صنعانی» هم همین حرف را زده‌اند!

آن‌ها زمانی که می‌خواهند هر راوی را کنار بگذارند و به روایت او عمل نکنند، برچسب تشیع می‌زنند و او را کنار می‌گذارند؛ اما از طرف دیگر می‌گویند: "اگر روایات شیعه را برداریم، خانه ما ویران می‌شود!!"

مجری:

خیلی عالی، ممنونم. بنابراین ما امشب در برنامه زنده «حبل المتین» دو حدیث را مورد بحث و بررسی قرار دادیم. حدیث اول این بود:

«يَمُوتُ مُعَاوِيَةُ عَلَى غَيْرِ مِلَّتِي»

معنای بارز این روایت این است که معاویه غیر مسلمان از دنیا خواهد رفت؛ و حدیث دوم هم این بود که:

«إِنَّ مُعَاوِيَةَ فِي تَابُوتٍ مِنْ نَارٍ»

ما این دو روایت را مورد بحث و بررسی قرار دادیم؛ البته من نکات دیگری هم یادداشت کرده بودم که از استاد بپرسم که ان شاءالله برای برنامه‌های آینده و هفته آینده می‌گذاریم.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما بارها گفتیم که شعار ما فرمایش حضرت آیت الله العظمی سیستانی است که گفتند:

«لا تقولوا اخوانا اهل السنة، بل قولوا أنفسنا اهل السنة»

نگوید برادران اهل سنت، بلکه بگوید عزیزان ما اهل سنت!

ما اهانت به صحابه را «ذنب لا یغفر» و گناه کبیره می‌دانیم؛ اما معاویه را صحابه نمی‌دانیم. این ادعا از زبان بزرگان اهل سنت است و ما کار دیگری نداریم. ما یک روایت در این چند جلسه از کتب شیعه نیاوردیم، بلکه همه را از کتب اهل سنت آوردیم.

ما همچنین تلاش کردیم بررسی سندی داشته باشیم تا آقایان نگویند که این روایت ضعیف است.

مجری:

بسیار خوب، خیلی متشکرم. همیشه عزیزان اهل سنت برای ما عزیز بوده و هستند؛ این موارد واقعیت‌هایی است که در تاریخ وجود دارد و بسیاری از دوستانی هم که گاهی پشت خط ارتباطی ما می‌آیند، به این موضوع اعتراف دارند که باید معاویه را از این حیطة جدا کرد.

اگر شیعه هستید و پشت خط ارتباطی ما آمدید، ابتدا بزرگواری بفرمایید و ولایت مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را از قرآن و احادیث برای ما کوتاه و مختصر بیان کنید و سپس سؤال خود را پرسید.

عزیزان اهل سنت ما هم قبل از پرسیدن سؤال بگویند که چقدر معاویه و یزید را در شهادت سید و سالار شهیدان آقا امام حسین (علیه السلام) دخیل می‌دانند.

هرکدام از این سؤالات مربوط به این عزیزان است، خیلی مختصر و کوتاه سؤالات ما را پاسخ بدهند و بعد از آن هم می‌توانند سؤالات خودشان را در زمینه مباحثی که ما داریم یا در شبهاتی که مطرح است پرسند و حضرت استاد پاسخ خواهند داد.

فکر می‌کنم آقای روح الله موسوی یک عزاداری برای ما آماده کردند که حال و هوای کربلا و اربعین و پیاده روی به سمت بهشت است!

«بابی أنت و أمی یا أبا عبدالله»

پدر و مادرم به فدایت حسین جان

دار و ندارم به فدایت اَبی عبدالله

واقعاً دل ما را به سمت و سوی کربلا و پیاده‌روی اربعین می‌برد. حتماً چای روضه امام حسین (علیه السلام) را خوردید و می‌دانید که چقدر برای ما مزه خاص و ویژه‌ای دارد.

عرب‌ها زمانی که می‌خواهند چای تعارف کنند، می‌گویند: "چای اَبو علی"؛ این چای با آن رنگ و لعابی که دارد خیلی دلچسب و گواراست.

اگر این چای را در مسیر نجف تا کربلا در پیاده روی اربعین بخورید و بعد از آن هم یادی کنید از لبان خشکیده و تشنه امام حسین (علیه السلام) خیلی شیرین و گواراست. دعا می‌کنم ان شاءالله کربلا و پیاده روی اربعین نصیبتان شود.

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمودند: یکی از نشانه‌های شیعه زیارت اربعین است.

آرزو می‌کنم به حق سیدالشهدا (علیه السلام) و به حق مادرشان صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) هرکسی آرزوی زیارت دارد، در فاصله همین چند وقت، همه شرایط مهیا شود تا کربلایی شود.

خاندان عصمت و طهارت باید خودشان ویزا را بزنند و دعوت نامه را بفرستند تا ان شاءالله شما کربلایی شوید.

تماس بینندگان برنامه:

از این لحظه در خدمت دوستان خوب بیننده هستیم. بزرگواری بفرمایید زمانی که ارتباط تلفنی برقرار می‌شود، صدای گیرنده را ببندند تا ما بتوانیم صدایشان را به خوبی دریافت کنیم.

اولین بیننده ما از پایتخت ایران اسلامی تهران پشت خط ارتباطی ما هستند. آقای محمد سلام و درود به شما:

بیننده (آقای محمدی از تهران - شیعه):

حضور محترم استاد قزوینی و آقای اسماعیلی عزیز سلام عرض می‌کنم. در ارتباط با نامه ۶ «نهج البلاغه» من دیدم در کتاب «أخبار الطوال» اثر «دینوری» همین نامه ذکر شده است. با توجه به اینکه «دینوری» حدود ۷۷ سال تقدم زمانی نسبت به «سید رضی» دارد.

آقای «دینوری» در سال ۲۸۲ از دنیا رفته است، از طرف دیگر سال ۳۵۹ هجری سال وفات «سید رضی» است. من می‌گویم که آیا احتمال دارد که «سید رضی» از یک منبع اهل سنت این مطلب را برداشته باشد و این زیاد برای ما قابل قبول نباشد!؟

من در نرم افزار «مکتبه شامله» دیدم که این کتاب یک جلدی است و در صفحه ۱۵۷ با تحقیق «عبد المنعم عامر» است. من می‌خواستم ببینم که آیا امکان دارد که «سید رضی» این مطلب را از کتاب «دینوری» گرفته باشد یا سندهای مقدم‌تری هم وجود دارد!؟

خیل ممنونم.

مجری:

آقای محمدی از شما ممنونم، ان شاءالله سؤال شما را پاسخ خواهیم داد. با شما خداحافظی خواهیم کرد، البته بعد از دقایقی منتظر باشید.

خواهر بزرگوارمان سرکار خانم عظیمی از دیار اصفهان پشت خط ارتباطی ما هستند، سلام علیکم:

بیننده (خانم عظیمی از اصفهان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت آقای اسماعیلی مجری محترم و حضرت استاد قزوینی که خیلی به ایشان ارادت داریم و از ایشان می‌خواهیم که برای ما دعا کنند. در ارتباط با سؤالی که مطرح کردید، من آیه ۵۵ سوره مبارکه مائده را می‌گویم:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ)

جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگان که اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند در حالی که در رکوع نمازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

من می‌خواهم به اهل سنت بگویم که دقت کنند در اینجا واژه «ولی» با وجود اینکه هم برای خدا و هم برای پیغمبر اکرم و هم برای ولی امر که هرکسی که آن‌ها اعتقاد دارند آورده شده است، در اینجا واژه «ولی» به صورت مفرد آورده شده است.

من از آنان درخواست می‌کنم که در این مورد مقداری فکر کنند. در مورد حدیث:

«علی فإنه منی وأنا منه وهو ولیکم بعدی»

مسند الإمام أحمد بن حنبل، المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشیبانی، الناشر: مؤسسة قرطبة -

القاهرة، الأحادیث مذیلة بأحكام شعيب الأرناؤوط علیها، ج ۵، ص ۳۵۶، ح ۲۳۰۶۲

این روایت علاوه بر این کتاب، در کتاب «سنن ابن ماجه» و «کنز العمال» هم وارد شده است. حال اگر اجازه بدهید سؤالم را بپرسم.

مجری:

خواهرم کامل و جامع پاسخ دادید، در خدمت شما هستیم.

بیننده:

از حضرت استاد سؤال داشتم که من شنیده بودم وقتی معاویه به درک واصل شد، در گردنش صلیب دیده شده است. می‌خواستم ببینم این مطلب صحت دارد یا نه؟!

مجری:

بسیار خوب، ان شاءالله به سؤال شما پاسخ خواهیم داد. با شما خداحافظی می‌کنیم، ان شاءالله منتظر باشید.

بازهم به پایتخت ایران اسلامی، تهران برویم. جواد آقا پشت خط ارتباطی هستند، جواد آقا سلام به شما:

بیننده (آقا جواد از تهران - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت سید بزرگوار آقای قزوینی و آقای اسماعیلی. من در جواب سؤال شما آیه ۵۵ سوره

مائده:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

جز این نیست که ولی شما خداست و رسول او و آنان که ایمان آورده‌اند، همان ایمان آورندگان که

اقامه نماز و ادای زکات می‌کنند در حالی که در رکوع نمازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

حدیث غدیر و حدیث منزلت را نام می‌برم که با این روایات می‌توانیم حقانیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

را ثابت کنیم.

مجری:

همین که شما به این موضوع اشراف دارید، برای ما کافی است و ممنونیم. اگر سؤالی دارید در خدمت شما هستیم.

بیننده:

آقای اسماعیلی من به «شبکه کلمه» زنگ زدم و خدا شاهد است که گفتم: "شما ده ثانیه به من فرصت بدهید تا من حرف خود را بزنم!" اما بعد از دو ثانیه حرف من را قطع کردند.

شما در این شبکه خیلی واضح به اهل سنت اجازه صحبت کردن می‌دهید، اما خدا شاهد است که کارشناسان وهابی می‌ترسند. اگر بگذارند که شیعیان عادی مثل ما صحبت کنیم، رسوا می‌شوند.

این افراد از روی ترس خودشان حرفشان را ده بار تکرار می‌کنند و وسط حرف شیعیان می‌پرند و اصلاً نمی‌گذارند شیعیان صحبت کنند. مشاهده کنید که این افراد چقدر پررو هستند؛ با این همه وحشی‌گری و کشتار در دنیا باز هم می‌خواهند که خودشان را حق نشان بدهند.

از شما خیلی متشکرم

مجری:

از آقا جواد از تهران ممنونم، ان شاءالله خدا نگهدارتان باشد. بیننده بعدی ما از دیار خودمان از شهر مقدس قم هستند؛ خدمت شما برادر بزرگوار سلام عرض می‌کنم:

بیننده (آقا بهروز از قم - شیعه):

سلام و خسته نباشید عرض می‌کنم خدمت جناب آقای اسماعیلی؛ همچنین عرض سلام دارم خدمت استاد قزوینی عزیز و دوست داشتنی.

استاد با اجازه شما می‌خواهم عزیزان اهل سنت را به دو بیت شعر مهمان کنم؛ امیدوارم روی معنای این اشعار تأمل کنند:

اگر گیری وضو با آب زمزم

اگر سجاده گردد عرش اعظم

اگر گویی اذان بر بام افلاک

گر از تکبیر گردد سینهات چاک

اگر گردی شهید اندر تشهد

و یا باشد به توحید تعهد

مبادا بر نماز خود بنازی

علی را گر نداری، بی‌نمازی

من سؤالی از استاد قزوینی عزیز دارم؛ استاد من یک دوست اهل سنت دارم که حنفی مسلک است.

ایشان به بنده قول دادند که اگر شخص استاد قزوینی از منابع اهل سنت، حدیث یا مدارکی ارائه کنند که یزید ملعون شرابخوار و اهل فسق و فجور بوده است؛ شیعه شوند. الآن هم بیننده برنامه هستند.

من می‌خواستم از عزیزانی که پشت خط هستند، اجازه بگیرم که کمی بیشتر به ما وقت بدهند تا استاد صحبت کنند.

مجری:

آقای بهروز از طریق گیرنده همراه باشید، با شما خداحافظی می‌کنیم. من تنها یک نکته را عرض کنم، این شعری که شما خواندید کمی مورد دارد. ما نباید نماز و اعتقادات عزیزان اهل سنت را زیر سؤال ببریم.

اعتقاد هرکسی برای خودش محترم است، ما نباید توهین بکنیم و مواظب باشیم که اختلافی ایجاد نشود. من اصلاً تعجب می‌کنم؛ تکلیف یزید در تمام منابع اهل سنت روشن است. ان شاءالله استاد بشتر توضیح خواهند داد.

ما یک تلفن دیگر هم داشته باشیم، بعدان شاءالله به سراغ سؤالات برویم که وقت ما خیلی زیاد نیست. علی آقا از سیرجان، سلام و درود به شما با این نام زیبایتان:

بیننده (علی آقا از سیرجان - شیعه):

سلام عرض می‌کنم خدمت شما آقای اسماعیلی و استاد عزیز حضرت آیت الله قزوینی.

«الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية مولانا امير المؤمنين علي (عليه السلام)»

اول سؤال شما را پاسخ بدهم، در آیه ۶۷ سوره مبارکه مائده وارد شده است:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای فرستاده ما آنچه را از ناحیه پروردگار بتو نازل شده برسان و اگر نکنی (نرسانی) اصلاً پیغام پروردگار را نرساندی و خدا تو را از (شر) مردم نگه می‌دارد زیرا خدا کافران را هدایت نمی‌فرماید.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

«سیوطی» در تفسیر «در المنثور» این آیه شریفه را از «ابن مردویه» و از «تفسیر ابن ابی حاتم» منتسب می‌داند به امیرالمؤمنین علی (علیه السلام).

شما در این برنامه سؤال دیگری پرسیدید که من سؤال شما را با سؤالی از استاد عزیز جواب می‌دهم. شما نقش معاویه را در قیام عاشورا و هتک حرمت به اهل بیت عصمت و طهارت را پرسیدید که چه جایگاه و منزلتی دارد.

استاد عزیز من سؤالی از شما می‌پرسم؛ بارها و بارها فرمودید که توهین به مقدسات اهل سنت حرام است و واقعاً هم حرام شرعی است، اما کلام سیدالشهدا (علیه السلام) در روز عاشورا را به خاطر بیاورید، زمانی که در گودال افتادند اولی و دومی را از قتل خودشان معرفی کردند!

امام حسین (علیه السلام) آن‌ها را از کسانی معرفی کردند که از مسببات واقعه عاشورا بودند. من می‌خواستم ببینم نظر استاد راجع به این کلام سیدالشهدا (علیه السلام) که در مقتل «سید بن طاووس» و «علامه مجلسی» است؛ چیست؟

من می‌خواستم بدانم استاد نظرشان راجع به برائت که یکی از فروع دین ماست که از ارکان امامت ما و قبولی امامت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و برائت از دشمنان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، موقف استاد چیست! سؤال واضح بود؟!

مجری:

بخش اول سؤالتان واضح بود. خوب نیست ما مباحث اختلافی را مطرح کنیم، اما تبری از دشمنان که کاملاً روشن و واضح است و ان شاءالله استاد در مورد این موضوع صحبت خواهند کرد. خدانگهدار

دوستان اتاق فرمان فعلاً تلفن‌ها را وصل نکنند، هرچند می‌دانم تلفن‌های زیادی داریم. بینندگان چند سؤال مطرح کردند که باید به آنان پاسخ بدهیم.

استاد آقای محمدی از تهران در مورد نامه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) که حضرتعالی هم به آن اشاره فرمودید پرسیدند و گفتند: امکان دارد که «سید رضی» درواقع این روایت را از منابع اهل سنت دریافت کرده باشد؟!

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ببینید مرحوم «سید رضی (رضوان الله تعالی علیه)» از اعیان قرن چهارم و پنجم هجری هستند و ما نمی‌توانیم بگوییم که نسبت به منابع اهل سنت یا منابع شیعه بیگانه بودند!

ایشان هرآنچه از منابع بوده را آورده است؛ در حقیقت کاری که بیاید به شیعه یا سنی مربوط باشد را ندارد و کاری با این منابع ندارد. او منابع معتبر را آورده است؛ مخصوصاً اینکه بیاید از منابع معتبر هم بیاورد اصلاً مسئله، مسئله مهمی نیست.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در این نامه کفر معاویه را اثبات می‌کند و در آخر نامه به صراحت می‌فرماید:

«فَإِنْ أَبِي قَاتَلُوهُ عَلَى اتِّبَاعِهِ غَيْرِ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلَاهُ اللَّهُ مَا تَوَلَّى وَ لَعَمْرِي»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۶۷، خ ۶

و من کتاب له ع إلى معاوية

آن حضرت در آخر نامه کفر معاویه را اثبات می‌کند. عزیزان به قرآن کریم مراجعه کنند که حکم «اتِّبَاعِهِ غَيْرِ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ» چیست؛ اصلاً ما نمی‌گوییم شما خودتان بروید ببینید که این مطلب به چه معناست.

به علاوه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در اینجا به معاویه نامه می‌نویسند و می‌فرماید: "معاویه! تو که من را به عنوان امام منصوب از طرف پیغمبر اکرم قبول نداری، امامت من را قبول نداری. تو در برابر من جبهه گرفتی و بیعت نمی‌کنی و می‌گویی: مهاجرین و انصار بیعت نکردند؛ درحالی‌که مهاجرین و انصاری که با ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند، با من هم بیعت کردند. اگر ملاک تو بیعت مهاجرین و انصار است، آن‌ها بیعت کردند. تو چرا می‌گویی که من بیعت نمی‌کنم؟!"

آن حضرت از باب الزام خصم صحبت می‌کند؛ جالب است که بزرگان و علمای اهل سنت از جمله جناب آقای خوارزمی متوفای ۵۶۸ در کتاب «مناقب» صفحه ۲۰۲ به صراحت اشاره می‌کند که نامه امیرالمؤمنین به معاویه برای اتمام حجت است!

به علاوه آقایان می‌گویند که در این نامه آمده است:

«وَ إِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ»

نهج البلاغه، نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، محقق / مصحح: صالح، صبحی، ص ۳۶۷، خ ۶

و من کتاب له ع إلى معاوية

ما هم می‌گوییم: «وَ إِنَّمَا الشُّورَى لِلْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ»!

آیا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام)، امام حسین (علیه السلام)، «سلمان»، «ابوذر» و دیگران، جزء مهاجرین و انصار بودند یا نبودند؟!

اگر تمام مهاجرین و انصار از جمله امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و صدیقه طاهره فاطمه زهرا (سلام الله علیها) اگر با کسی بیعت کنند، ما هم می‌گوییم که او امام به حق است!

مشاهده کنید که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) طبق عبارت «صحيح بخارى» می‌گوید: تا شش ماه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با ابوبکر بیعت نکردند. «ابن حزم أندلسی» در کتاب «المحلی» جلد نهم صفحه ۳۴۵ می‌گوید:

«ولعنة الله على كل إجماع يخرج عنه على بن أبي طالب ومن بحضرته من الصحابة»

ایشان که می‌گوید: دینوری این عبارت را آورده است، اصلاً قبل از ایشان هم این قضیه آمده است. «ابن مزاحم» متوفای ۲۰۲ هجری در کتاب «وقعة الصفین» جلد اول صفحه ۲۹ همین عبارت را آورده است، اما با این جمله شروع شده است:

«فَإِنَّ بَيْعَتِي بِالْمَدِينَةِ لَزِمَتْكَ وَ أَنْتَ بِالشَّامِ»

مردم مدینه با من بیعت کردند و تو در شام موظفی که با من بیعت کنی.

وقعة صفین، نویسنده: نصر بن مزاحم، محقق / مصحح: هارون، عبد السلام محمد، ص ۲۹، باب.

[مکاتبة علی ع مع معاوية و إرسال جریر الیه]

اول نامه این است که در کتاب «نهج البلاغه» نامه ۶ این تعبیر نیامده است. تمام کسانی که این عبارت را آورده‌اند، این تعبیر را بیان کرده‌اند. حال اینکه چرا «سید رضی» این عبارت را نیاورده است، نمی‌دانیم اما ما با منابع اهل سنت بیان می‌کنیم.

همانطور که در قضیه ابوبکر و عمر و عثمان مدینه بیعت کردند و تمام شهرهای اسلامی هم بیعت کردند. «ابن قتیبہ دینوری» متوفای ۲۷۶ در کتاب «الإمامة و السياسة» صفحه ۸۰ همین تعبیر را آورده است.

جناب آقای «ابن عبد ربه» متوفای ۳۶۸ در کتاب «عقد الفرید» جلد چهارم صفحه ۳۰۹ همین عبارت را آورده است. «ابن ابی الحدید» متوفای ۶۵۵ هجری همین تعبیر را آورده است، در کتاب «الفتوح» اثر «احمد بن اعصم» متوفای ۳۱۴ هجری همین تعبیر بیان شده است.

این عبارت در تمامی کتب بیان شده وارد شده است و اول آن همین عبارت وارد شده است: «فَإِنَّ بَيْعَتِي بِالْمَدِينَةِ لَزِمَتْكَ وَ أَنْتَ بِالشَّامِ»

کاملاً واضح و روشن است؛ اگر دوستان بخواهند بروند این نامه را خوب موشکافی کنند، در سطر سطر این نامه طغیان و کفر معاویه بن ابی سفیان ثابت می‌شود. خیلی واضح و روشن است.

مجری:

خیلی متشکرم؛ استاد خانم عظیمی گفتند که در جایی مطالعه کردند که معاویه زمان مرگ صلیب بر گردن داشته است.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

این تعبیر در بعضی از روایات وارد شده است، اما من نمی‌دانم این روایت صحیح است یا نه! اینکه معاویه بت فروشی می‌کرده است و کشتی پر از بت را برای فروش می‌فرستاده است با سند صحیح بیان شده است.

همچنین روایاتی با سند صحیح وارد شده است مبنی بر اینکه او شرابخوار بوده است و شراب فروشی می‌کرده است. ما این مطالب را به تدریج بیان خواهیم کرد!

طبق تعبیر امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این شخص اصلاً مسلمان نبوده است. حال اینکه به چه نحوی بوده عرض کردم که من الان سند آن روایتی که صلیب در گردنش بوده را در خاطر ندارم.

بنابراین در مورد معاویه با سند صحیح بیان شده است که او بت می‌فروخته است و کشتی پر از بت را برای فروش می‌فرستاده است. در این مورد داستان مفصلی وجود دارد که بعضی از صحابه به او اعتراض کردند و نامه نگاری کردند؛ ان شاءالله این موارد را بیان خواهم کرد. ان شاءالله در جلسه بعدی در رابطه با بت فروشی معاویه مطالبی را بیان خواهم کرد.

مجری:

خیلی متشکرم؛ آقای بهروز از قم گفتند: دوستی دارند که از عزیزان اهل سنت است. ما در مورد شرابخواری و فسق و فجور یزید مطالب فراوانی در دست داریم.

آیا «یزید» شرابخوار بوده است؟

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

در کتاب «البيان و التبیین» اثر «جاحظ» متوفای ۲۵۵ هجری از علمای بزرگ اهل سنت در این مورد مطالبی بیان شده است. این شخص اولین کسی است که علیه شیعه کتاب نوشته است و منکر شجاعت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بوده است!!

«اسکافی» از علمای بزرگ اهل سنت بر این کتاب ردیه نوشته است، «شیخ مفید» ردیه نوشته است، کار به جایی رسید که او در رد خودش کتاب نوشت!! این شخص که انسان بسیار توانمندی بود در «البيان و التبیین» جلد دوم صفحه ۸۴ می‌نویسد:

«ثم ولی یزید بن معاویة، ویزید الخمرور»

سپس یزید بن معاویه والی شد، یزیدی که بسیار شراب می‌خورد.

دوستان دقت داشته باشند که او، یزید را شارب الخمر معرفی نکرده است، بلکه می‌گوید: او بسیار شراب می‌خورد و در خوردن شراب زیاده‌روی می‌کرد. بعد می‌گوید:

«المأبون فی فرجه»

من جرئت نمی‌کنم این قسمت را معنا کنم!!

«فعلیه لعنة الله وملائكته»

البيان والتبيين، المؤلف: عمرو بن بحر بن محبوب الكنانی بالولاء، الليثی، أبو عثمان، الشهير بالجاحظ (المتوفى: ۲۵۵ هـ)، الناشر: دار ومكتبة الهلال، بيروت، عام النشر: ۱۴۲۳ هـ، ج ۲، ص ۸۴، باب خطبة

أبي حمزة الخارجي

همچنین «ذهبی» که از استوانه‌های علمی اهل سنت است و گمان نمی‌کنم کسی روی حرف او بتواند حرف بزند، در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد چهارم صفحه ۳۷ می‌نویسد:

«وكان ناصبياً، فظاً، غليظاً، جلفاً يتناول المسكر، ويفعل المنكر»

یزید شخصی ناصبی، بداخلاق، جلف و شرابخوار بوده است و کارهای منکر انجام می‌داد.

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبي أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - ۱۴۱۳، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي؛

ج ۴، ص ۳۷، باب یزید بن معاوية ابن أبي سفيان

در کتاب «تاریخ دمشق» اثر «ابن عساکر» متوفای ۵۷۱ هجری در جلد ۲۷ وارد شده است: زمانی که تعدادی از مردم مدینه اعم از مهاجرین و انصار و صحابه در شام با یزید ملاقات کردند و برگشتند، به این صورت در مدینه سخنرانی کردند:

«ان رجلا ينكح الأمهات والبنات والأخوات ويشرب الخمر ويدع الصلاة»

این مرد با مادر و دختران و خواهران خود ازدواج می‌کرد و شراب می‌خورد و کاری با نماز نداشت.

تاریخ مدينة دمشق، اسم المؤلف: أبي القاسم علي بن الحسن ابن هبة الله بن عبد الله الشافعي، دار

النشر: دار الفكر - بيروت - ١٩٩٥، تحقيق: محب الدين أبي سعيد عمر بن غرامة العمري؛ ج ٢٧، ص

٤٢٩، باب عبدالله بن حنظلة بن أبي عامر

همچنین آقای «سیوطی» متوفای ١١١ هجری در کتاب «تاریخ الخلفاء» از قول «عبدالله بن حنظلة» در مورد یزید

می‌نویسد:

«إنه رجل ينكح أمهات الأولاد، والبنات، والأخوات، ويشرب الخمر، ويدع الصلاة»

تاریخ الخلفاء، المؤلف: عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي (المتوفى: ٩١١ هـ)، المحقق:

حمدي الدمرداش، الناشر: مكتبة نزار مصطفى الباز، الطبعة: الطبعة الأولى: ١٤٢٥ هـ-٢٠٠٤ م، ج ١، ص

١٥٩، باب یزید بن معاویة

بنده حدود ٢٥، ٣٠ مصدر از کتب اهل سنت دارم که یزید شراب می‌خورد. بنده تعجب می‌کنم که این عزیز اهل

سنت ما می‌خواهند این مطلب را اثبات کنند. این مطلب همانند روز روشن است.

همچنین روایاتی در مورد معاویه داریم که شرابخوار بوده است و شراب تجارت می‌کرد؛ اما بعضی افراد در مورد

آن اختلاف دارند.

ان شاءالله زمانی که قضایای معاویه تمام شد، تا آخر صفر این بحث را ادامه می‌دهیم. در حقیقت عامل اصلی

انحراف دین از مسیر اصلی خودش، معاویه بن ابی سفیان بوده است.

مجری:

استاد یک دقیقه بیشتر فرصت نداریم. علی آقا از سیرجان هم در خصوص تبری از دشمنان مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نظر شما را پرسیدند.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

ما اسم بردن را شرعاً خلاف شرع و حرام می‌دانیم. مرحوم «صدوق» در کتاب «اعتقادات» صفحه ۱۰۷ و همچنین «علامه مجلسی» در کتاب «بحارالانوار» جلد ۷۱ صفحه ۲۱۷ چاپ ایران جلد ۷۴ صفحه ۲۱۷ چاپ بیروت روایتی را بیان کرده است.

در این روایتی وارد شده است که امام صادق (علیه السلام) زمانی که می‌شنوند شخصی ناسزا می‌گوید و علناً نام می‌برد، ناراحت می‌شوند و می‌فرمایند: خداوند او را لعنت کند!

به صورت کلی خدا تمام دشمنان محمد و آل محمد را لعنت کند. این مطلب را هم شیعه و هم اهل سنت بیان می‌کنند؛ حتی وهابیان منصف هم می‌گویند: خدایا کسانی که با محمد و آل محمد دشمن بودند را لعن کن!

زمانی که شما به صورت کلی مطرح می‌کنید، ملائکه حواسشان جمع است. ضمیر مرجع خودش را پیدا می‌کند. مشاهده کنید که امام صادق (علیه السلام) به هیچ وجه در زیارت عاشورا نامی از کسی نبرده است.

بعضی از افراد دنبال فتنه‌گری و اختلاف میان شیعه و سنی می‌گردند که شروع می‌کنند یک سری روایات ضعیفی مطرح می‌کنند و این مطالب را به رخ دیگران می‌کشند.

شما یک روایت صحیح به ما نشان بدهید که امام صادق (علیه السلام) در بالای منبر یا جلوی مسجد نشسته است و در جلوی مردم، از چند تن از صحابه اسم برده است و آنها را لعنت کرده است!!

به قول آیت الله العظمی شبیری زنجانی اگر تبری نباشد، تولی معنا پیدا نمی‌کند. شما اگر «لا اله» نگوید، «الا الله» معنا پیدا نمی‌کند. شما باید تمام خدایی و الوهیت بت‌ها را کنار بزنید تا الله بگویید، در غیر این صورت کاری شبیه کار مشرکین مکه انجام داده‌اید.

«وَلَيْنُ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ»

اگر از آنان بپرسی آسمان‌ها و زمین را کی آفریده؟ گویند: خدا.

سوره لقمان (۳۱): آیه ۲۵

اما آن‌ها می‌گفتند: بت‌هایی که ما داریم ما را به خدای بزرگ می‌رساند.

مجری:

حضرت استاد از شما و همه عزیزانی که تماس گرفتند و سؤال مطرح کردند خیلی متشکرم. ما در این فرصت کم، سؤالاتشان را جواب دادیم و از عزیزانی که فرصت نشد روی خط ارتباطی برنامه زنده «حبل المتین» از «شبکه جهانی ولایت» بیایند و سؤالاتشان را مطرح بکنند عذرخواهی می‌کنیم.

استاد حسن ختام برنامه در حق همه دوستان دعا بفرمایید.

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

خدایا تو را قسم می‌دهیم به آبروی محمد و آل محمد فرج مولای ما بقیه الله الأعظم را نزدیک بگردان، ما را از یاران خاص و سربازان فداکار آن بزرگوار قرار بده.

خدایا به حق محمد و آل محمد مقدمات ظهورش را سریعاً فراهم بگردان، خدایا با ظهورش قلب نازنینش را مسرور و شاد بگردان.

خدایا با ظهور امام زمان بساط ظلم و ستم و جنایات و هابیت را از صفحه گیتی برای همیشه برافکن.

خدایا به حق محمد و آل محمد بر مجاهدین ما که در سوریه و عراق و یمن و بحرین علیه کفر و نفاق مبارزه می‌کنند نصرت نهایی نصیب بگردان.

خدایا کسانی که به شیعه و سنی و دیگر انسان‌ها رحم نمی‌کنند و قابل هدایت نیستند، هرچه سریع‌تر از صفحه گیتی ریشه‌کن بگردان.

خدایا کسانی که این افراد را تقویت و تشجیع می‌کنند و از آنان حمایت می‌کنند، اگر قابل هدایت نیستند به بدترین بلا در دنیا و آخرت گرفتارشان بگردان و شر آنان را از امت اسلامی کوتاه بگردان.

خدایا بر تمام بیماران شفای عاجل کرم نما، خدایا حوائج ما و حوائج دست اندرکاران «شبکه جهانی ولایت» و حوائج بینندگان عزیز مخصوصاً عزیزان ولایت یاور را برآورده نما، دعا‌های ما را به اجابت برسان.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مجری:

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

در پناه حضرت حق و زیر سایه مرتضی علی باشید. خدانگهدار

